

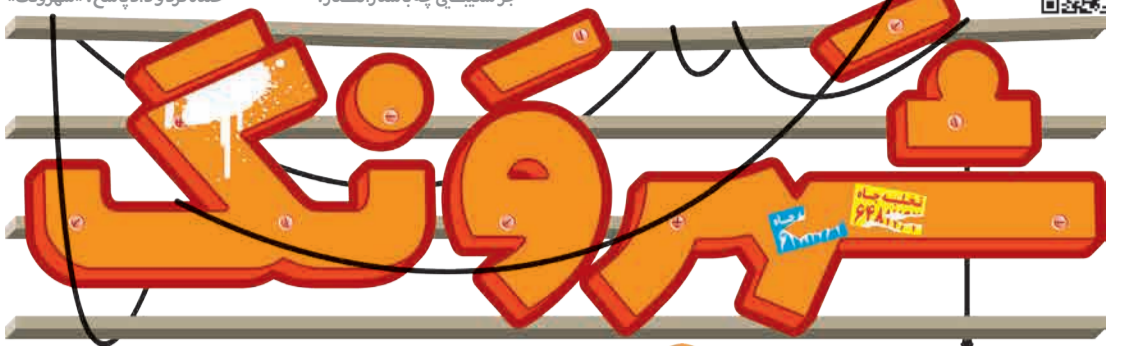
**تماشاخانه**

محمدرضا تفتی | کارتونیست | email: sunysaghafi@yahoo.com



توی دنیای پراز اندوه و جنگ  
خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»  
پیراگفتم: به ماشد عرصه تنگ  
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره شصت و هفتاد و چهارم



وزیر صنعت: عرضه خودر و با قیمت نزدیک به حاشیه بازار استمرار می یابد

**شهر زیبا**

**چند خبر و تحلیل های ناب!**



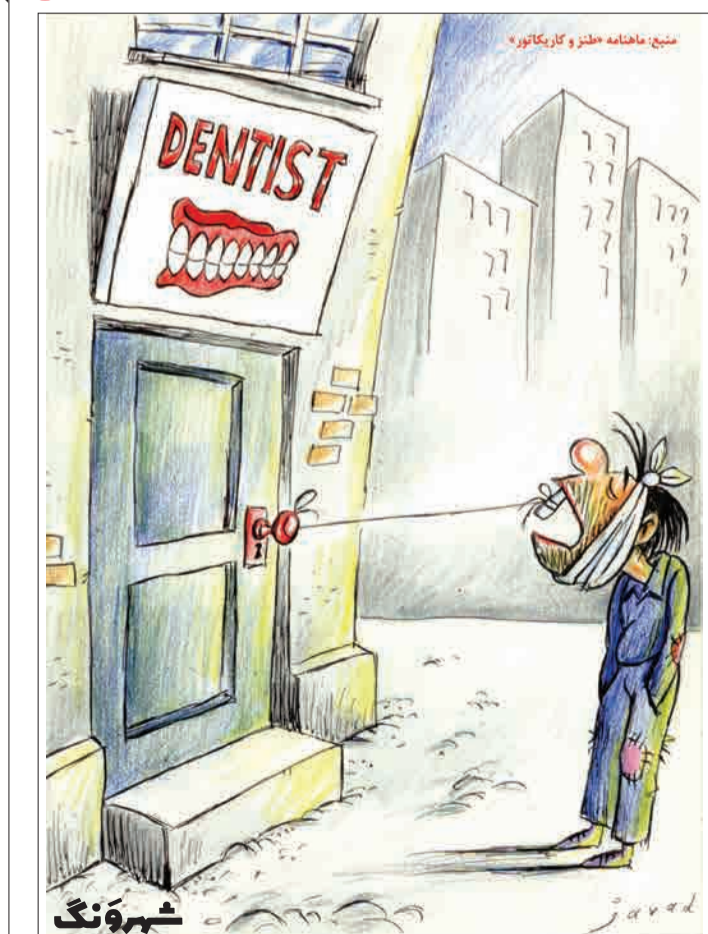
گفته می شود قرار است قیمت اتومبیل (وقتی می گم اتومبیل منظوم بنز و پورشه و اینا نیست. خودتون می دونید درباره چی صحبت می کنم) به قیمت کف بازار نزدیک شود. یعنی دلال های عزیز قرار است به طور رسمی وارد گود شوند. در همین رابطه سلطان تولیدات داخلی دیروز اعلام کرد: «می دونستم آخرش برمی گردید سمت خودم و از خودم می خواين که براتون تعیین تکلیف کنم.» مرغ و گوشت هم بعد از این که خبر را شنیدند، قیمت های اعلام شده برای خودشان را به بال و پرشان هم نگرفتند و اعلام کردند: «ما دیگه وجدانا از بعضی خودروهای داخلی که کمتر نیستیم. چطور اونا برای خودتون تعیین تکلیف کنند، اما ما مثل اسکول ها پیشینیم شما جای ما تصمیم بگیرید؟ نه بابا، دیگه چی می خواهید؟! اصلا اوضاع جور شده که آدمیزاد احساس امنیت نمی کند. آنها که مرغ و گوشت و ماشین هستند، در خبرها خواندم که عمه یک پیچه او را به هوای بردن به پارک از خانه خارج کرده و قصد داشته به قیمت خیلی خوبی به سلطان بچه او را بفروشد. خودم هم وقتی یواشکی به صحبت های رئیس هم گوش می کردم، شنیدم داشت می گفت: «استی، این یارو نبوی رو هم می فروشم. روزی به وعده غذا می خوره، بلانسبت الاغ، مثل اسب هم برات کار می کنه. حقوقم هنوز بهش یاد ندادم یعنی چی، لازم نیست بهش پول بدی...» سریع زدم بیرون و سعی کردم تا جایی که امکان دارد از محل کارم دور شوم. دعوا بر سر FATF هم کماکان ادامه دارد. خوشبختانه کار ما نوشتاری است و لازم نیست این کلمات عجیب و غریب را تلفظ کنیم، برای همین می توانم بدون استرس چند کلمه ای در موردش صحبت کنم. FATF چیزی است که عده ای می گویند خیلی بد است. عده ای هم می گویند خیلی خوب است، اما طبق تحقیقاتی که من در موردش کردم، فهمیدم که FATF خودش خوب است اما دور و بری هایش خوب نیستند. یعنی ما اگر به دور و بری هایش کار نداشته باشیم و از خودش استفاده کنیم، می تواند به دردمان بخورد. خبر دیگر این که انگار فیفا جدی جدی باورش شده که ورود خانم ها به استادیوم آزاد شده و خیلی از زیرساخت های دیگر هم توی کشور پیشرفت داشته و قصد دارد ما را یک کوچولو در جام جهانی قطر شریک کند. از همین جا خدمت جناب رئیس فیفا عرض می کنم که داداش، اونا همه اش بازی بود. ما خواستیم توی اون چندساعتی که ایرانی بهت خوش بگذره. چرا این قدر زود بیآوری تو آخه؟ ما هنوز وقتی می خواهیم بریم استادیوم، گلاب به روت قیلش تا جا دارد کارمان را در خانه انجام می دهیم چون در استادیوم های ما اصولا چیزی به نام سرویس بهداشتی واژه غربی است. ما که از خدایمان خودم می گویم بهتر است این کار را نکنی، چون بدجور توبش گیر می کنی. برو و برای ما و خودت در دسر درست نکن... خبر دیگر هم سلامتی، سختی و دشواری هم نداریم. خدانگهدار.

# دلال: من عاشق همین حواشی ام!

- ◀ حاشیه بازار: پس من به سی - چهل درصد می رم بالاتر!
  - ◀ اون خودروی داخلی: خسته نشدید این قدر درباره من تیترز دید؟!
  - ◀ شهر ونگ: فعلا فقط با تو همیشه راحت شوخی کرد!
  - ◀ مومیایی: پایه! بد کمپین نه بخريد خودر و راه بندهام؟
- #صنعت\_همراه\_دلال #شهر ونگ



**شهر فرنگ** | جواد علیزاده | کارتونیست



شهر ونگ

**فلکه اول**

غریبی را در کشور ترویج کنید در بین اندیشمندان حقوق شهرونگی، بر سر این که با آثار غیرمجاز چه باید کرد، اختلاف عمیقی وجود دارد. عده ای اساسا ورود به این بحث را مصلحت نمی دانند. در مقابل عده ای که کله شان بوی قرمه سبزی می دهد، قاعده فوق الذکر را به این قبیل آثار هم تسری می دهند و در نهایت عده ای هم به سخت کردن دسترسی به آثار غیرمجاز از راه هایی چون فیلتر کردن اینترنت و فیلتر کردن فیلتر شکن ها (فیلتر/فیلتر) تاکید دارند. به بساور برخی ناظران، در پس طرح هایی چون «صفر منصفانه» که سادهاش این است که بابت رفتن به سایت های فیلتر شده، پول اینترنت بیشتری بدهیم، همان گروه سوم اندیشمندان حقوق شهرونگی قرار دارند که برای رساندن از افزایش ماهیت خود می پرهیزند. در شمارگان بعدبقیه حقوق را بر خواهیم شمرد.

**منشور حقوق شهرونگی | امیرمسعود فلاح** | از آنجا که ما در زمینه حقوق شهروندی به خصوص حقوق فرهنگی شهروندی مشکلاتی داریم، لذا ما بر آن شدیم که به تدوین و تبیین این حقوق بپردازیم.  
**وامانخستین حق از حقوق فرهنگی شهروندی:**  
حق هر کسی است که هر فیلم، کتاب یا آهنگ مجاز را به طور رایگان از اینترنت دانلود کند و حالش را ببرد. هیچکس را نمی توان به صرف تمایل نداشتن برای پرداخت پول اثر کسی، مورد بازخواست قرار داد. در پاسخ به صاحبان آن آثار هم باید گفت شما حق ندارید به ساحت هنر اهانت کنید و شأن آن را در حد کالای قابل خرید و فروش پایین بیاورید و با ادعای حق مادی داشتن بر اثر معنوی، فرهنگ



**شنود**

پشت صحنه شهرونگ به روایت دوربین مدار بسته

## د.م.ب تقدیم می کند

چپ چپ نگاهش کنند، چون محمدخانی به تمام وقایع جهان می تواند با موسیقی واکنش نشان دهد. از پینک فلوید هم توی کالکشنش دارد تا جواد یساری. دقیقسا همین موقعها هست که طبق معمول شهاب نبوی تا چشمش به علی اکبر می افتد، به شکل شرطی شده ای می گوید «بههم شام نمیدی؟!» و من نمی دانم این پرسوسه شام خواستن و شام ندادن این دو نوگل قرار است تا کی ادامه داشته باشد و کدامشان تسلیم شود که یک تحریریه را خلاص کنند. از طرفی داوود نجفی هم هر چند روز یک بار قیمت های جدید خودرو را برای تحریریه می خواند و تصور می کند با هر بار از روی قیمت ها خواندن و انتشارش می تواند تأثیری روی ارزان شدنشان داشته باشد! به هر حال این دوستان به همین راحتی ها هم طنزنویس نشده اند و همین ویژگی های خاص، آنها را متمایز و برای طنزنویسی گلچین کرده.

طنز و از خط قرمزهای نویسندگی گفتند برائت می جویم و می خواهم بگویم اینها اهل این کارها نبودند و فقط برای جلب توجه خالی بسته اند. در هفته ای که گذشت در کمال شگفتی تولد هیچ کس در تحریریه نبود که این خودش کمی مشکوک به نظر می رسد. اما تا دلتان بخواهد اتفاقات و خبرهای غم انگیز بود. ملانصرالدینمان رفت و از آنجایی که بنده سابقه دوربین بودن در جامعه طنز را سالهاست که دارم و از زمان گل آقا دوربین مدار بسته بودم تا همین امروز هیچ وقت تصویر تلخ یا حتی چشم بسته ای از ایشان نتوانستم ثبت کنم و به احترامشان یک دقیقه دوربینم را خاموش می کنم.....  
..... بله دوباره روشن شدم و دقیقا کافی است یک دقیقه خاموش شوم تا علی اکبر محمدخانی آهنگ جلال همتی را توی تحریریه پلی کند و الباقی



**دوربین مدار بسته**

بله! بنده دوربین مدار بسته با تخلص د.م.ب که خودم همین الان برای خودم ساختم اعلام می کنم که این دوستان تنشان می خارد متاسفانه و تمام این خارش ها از همکار سابقشان محسن پوررضائی نشأت می گیرد. از هفته پیش افتاد به جان نویسندگانی مظلوم و سر به زیر تحریریه که پروند توی مراسم رونمایی کتاب از ممیزی ها و خط قرمزهایی که در نویسندگی وجود دارد برای مردم تعریف کنند و آتش را دقیقا همین جا و توی دل پاک نویسندگان روشن کرد. در واقع همه می دانند از میز صدا بیاید از این نویسنده ها در نمی آید و من نمی دانم با چه وعده ای خودشان را فروخته اند! بنده خودم از این چند نویسنده معلوم الحال با نام های س.ش، م.ز.ج.ح و همچنین ع.ر. که رفتند شب